



نام درس: دنا و دانش ادبی

نام دبیر: غزاله صادق زاده

مبحث: استعاره (۱)

پایه: هفتم-هشتم

مقطع: متوسطه ۱

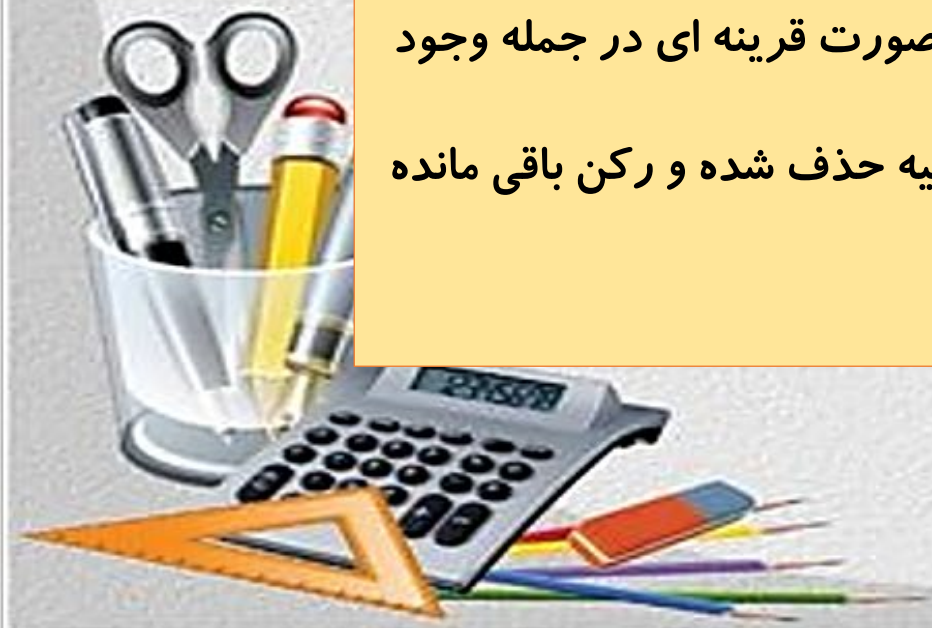




معنا و مفهوم استعاره و رابطه ی آن با مجاز و تشبیه

استعاره یعنی عاریه خواستن و قرض گرفتن. هرگاه در کلام ادبی واژه ای را به جای واژه ی دیگر استفاده کنیم از استعاره بهره برده ایم. استعاره در حقیقت مجازی است با پیوند و علاقه ی مشابهت (رجوع شود به مجاز) و در اصطلاح مجاز ادبی نیز خوانده می شود.

از سوی دیگر می توان گفت استعاره زیرساخت تشبیهی دارد. یعنی اگر یکی از دو رکن اصلی تشبیه (مشبه و مشبه به) را حذف کنیم و رکن دیگر باقی بماند، آن رکن باقی مانده استعاره خواهد بود. در این صورت قرینه ای در جمله وجود دارد که ما را به سوی استعاره هدایت می کند و کمک می کند تا بفهمیم کدام رکن تشبیه حذف شده و رکن باقی مانده استعاره از چه واژه ای است.





حذف مشبه و مشبه به

مثال ۱: توپ طلایی از پشت کوه های سر به فلک کشیده بالا آمد.

قرینه

استعاره از خورشید

در مثال بالا می توان گفت خورشید (مشبه) مثل توپ (مشبه به) است. و واژه ی طلایی و ترکیب کوه های سر به فلک

کشیده به عنوان قرینه ما را راهنمایی می کنند که مشبه حذف شده، خورشید است.

مثال ۲: آسمان با تمام دلتنگی اشک بارید.

قرینه

استعاره از انسان

در این مثال، آسمان (مشبه) مثل انسانی (مشبه به) است که دلتنگ است و اشک می ریزد. همان طور که می بینید رکن

حذف شده، مشبه به یعنی انسان است و دلتنگی و اشک قرینه هایی هستند که ما را در یافتن آن راهنمایی می کنند.





قرینه ی استعاره

همان طور که مجاز به پیوند و علاقه نیاز دارد تا بفهمیم واژه در معنای دیگری به کار رفته است، استعاره هم به چنین رابطه ای نیازمند است که در اصطلاح ادبی به آن **قرینه** می گویند.

مثلا اگر کسی بگوید: **شیری را دیدم**، شیر در معنای خودش فهمیده می شود اما اگر بگوید: **شیری را دیدم که نیزه به**

دست می جنگید، مشخص می شود که منظور از شیر، انسانی شجاع و باشهامت است. . (شیر، استعاره از انسان شجاع)

در حقیقت داشتن نیزه در دست قرینه ای است که ما را راهنمایی می کند تا بفهمیم منظور گوینده شیر واقعی جنگل نیست.

پس می توان گفت قرینه در واقع یک یا گروهی از واژگان است که ما را از معنای اصلی استعاره دور و به معنای ادبی آن نزدیک می کند. با توجه به نوع استعاره قرینه می تواند مربوط به مشبه یا مشبه به و یا هر دو باشد.





این و آن به عنوان قرینه ی استعاره

این و آن در دستور زبان صفت اشاره ی پیشین محسوب می شوند و کلمه ی پس از خود را به گونه ای متمایز می کنند. مثلا وقتی می گوئیم کتاب، یک مفهوم کلی از کتاب در ذهن ما قرار دارد اما وقتی می گوئیم آن کتاب، در واقع به کتاب مشخصی اشاره می کنیم که هم ما می دانیم چیست و هم مخاطب ما.

گاهی این و آن در ساختار تشبیهی و استعاری کاربرد دارند. به مثال های زیر توجه کنید:

(۱) صوفی از پرتو **می**، راز نهانی دانست

مشبه

گوهر هرکس از **این لعل** توانی دانست

مشبه به

همان طور که می بینید در مصرع اول، می (شراب) را می توان به عنوان مشبه در نظر گرفت و شاعر در مصرع دوم

لعل (یا قوت سرخ) را به عنوان مشبه به برای آن در نظر گرفته است اما این تشبیه آشکار نیست.

این لعل در واقع هر لعلی نیست! در اصل وصفی از همان می است که وجه شبهش هم سرخی و درخشانی است.





(۱) نشست و لؤلؤ از نرگس همی ریخت

مشبه به

مشبه به

به آن آب آتش از عالم برانگیخت

مشبه به

در مصرع اول به ترتیب واژگان لؤلؤ و نرگس استعاره از اشک و چشم هستند (هر دو مشبه بهی هستند که مشبه های آن ها حذف شده است.) در مصرع دوم نیز آن آب را می توان استعاره از اشک (مشبه) گرفت. چون اشک در بیت نیامده که بتوانیم آن را تشبیه بگیریم و در عین حال نرگس و لؤلؤ هم ما را به سمت استعاره بودن آب راهنمایی می کنند. صفت اشاره ی آن در این جا نشان می دهد که آب، همان آب شناخته شده ی معمول نیست و شاعر منظور دیگری دارد و آن را خواسته آن را متمایز کند.





مجمع آموزشی هوشمند خدیجه کبری (س)

www.kksec.org

<https://instagram.com/khadijekobra1368>